



غدير؛ آخرين خطابه پيامبر خاتم

غدير هم واقعه است و هم حادثه؛ اگر واقعه را رخدادی نیک و رویدادی مثبت معنی کنیم، و حادثه را رخدادی سهمگین و ناگوار...

غدير هم واقعه است و هم حادثه؛ اگر واقعه را رخدادی نیک و رویدادی مثبت معنی کنیم، و حادثه را رخدادی سهمگین و ناگوار، غدير برای پيامبر واقعه ای شیرین است که حاصل سال ها سعی در گلستانی، بوستان رسالت را به دست باغبانی امين و پارسا می سپرد که محبوب خدا و ملائک بود، و برای امت اسلام واقعه ای به یاد ماندنی است که جانشين پيامبرشان را شناختند و امور دنیا و آخرتشان را رهاشده از تدبير ندیدند...

سرويس اجتماعی - روز مبارکی رسیده است. در مبارکی و بزرگی اين روز همين بس که دين و نعمت خداوند بر ما کامل شد؛ روز غدير خم. در اين روز بزرگ بود که حرفه‌ايی به بلندای تاريخ به میان آمد. حرفه‌ايی که همیشه تنها در یک جمله برايما خلاصه شده است. همان جمله معروفی که پيامبر (ص) درباره وصی بعد از خودش بر زبان آورده: «هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست.«

موضوعی که به خودی خود هيچ ایرادی ندارد، اما نکته اينجاست که در آن روز تاريخی، همه پالان‌های شترها را بروی هم جمع کردند و آخرين پيامبر خدا بر روی آن‌ها ايستاد و از سوی خدا، ولی امر مسلمين بعد از خودش را معرف کرد؛ آن هم در یک خطابه بلند که آخرين خطابه پيامبر اسلام در عمر مبارکشان است. خطابه‌ای سرشار از نکات مهم که کمتر بدان پرداخته شده است. خطابه که در نزديکی مکه و در یکی از ميقات‌های پنج گانه ایراد شده و چه بسا هنوز برای ما مهجور مانده... به فاصله مکانمان با غدير، فاصله‌مان با تاريخ غدير و ...

اين خطبه را شايد بتوان به چند بخش تقسيم کرد. قسمت‌های دقيق مرتب شده‌ای که پيامبر خدا برای ابلاغ بخش آخر رسالتش به کار گرفت. امروز زمانش رسیده دوباره شيعه وار اين روز را کشف کنیم، روز عیدی را که در بين اهل سنت هم حديث متواتر شده است. بياييد گام به گام روز گشایش را بر اساس خطبه آخر رسول خدا بازآفرینی کنیم؛

گام اول: سپاس خدای را...

حمد و سنای خداوند اولین بخش اين خطبه طولانی است. خواندن صفات خداوند متعال از زبان بزرگ‌ترين پيام آورش با هيچ دعا و نيایش ديگری قابل مقايسه نیست. پيامبر برگزیده خداوند در ديپاچه آخرين و شايد مهم‌ترين خطابه زندگی‌اش یک بار ديگر گوشه‌ای از درک و معرفت خویش از ذات الهی را مرور می‌کند؛ البته که در برابر دستورات و مقدرات خداوند همیشه مطيع بوده و اين بار هم سر تعظيم فرودآورده است. آن‌ها که گوش به اين کلمات سپرده‌اند هنوز نمی‌دانند که پيامبر مصطفی (ص) برای چه اين سخنان را بر زبان می‌آورد.

گام دوم: ای پيامبر ابلاغ کن!

حالا ماجرا کمی روشن‌تر می‌شود. جبرئيل سه مرتبه بر پيامبر نازل شده و او را از طرف خداوند مامور نموده که پيامی را به مردم ابلاغ کند. اين پيام آن قدر مهم است که بدون ابلاغ آن گویی پيامبر بزرگی چون او رسالتش را به انجام نرسانده. او از جبرئيل می‌خواهد که از خداوند بخواهد که او را از ابلاغ اين پيام مهم معاف کند. چرا؟ چون او از عاقبت کار خبر دارد و می‌داند که آنانی که با زبانشان می‌گویند آنچه را در قلب‌هایشان نیست؛ چه خوابی برای آینده اسلام می‌بینند؛ اما با اين حال دستور، واضح و روشن است. بايد حجت تمام شود تا کسی بعدها در پيشگاه خدا و رسولش عذری نداشته باشد.

گام سوم: امير المومنين فقط اوست

فقط ابلاغ پيام خداوند کافی نیست. واکاوی چرایی و بيان چگونگی اجرای آن هم لازم است. مرور کوتاهی بر گذشته، خدماتی که علی (ع) به او و دين خداوند کرده را به یاد همه می‌آورد؛ همه آن وقت‌ها که جانش را در راه گسترش دين اسلام گذاشت. اما فقط همين نیست. پيامبر همه آنچه خداوند از کتابش و از حلال و حرامش به او آموخته، به علی (ع) سپرده است. همه چیز در «امام مبین« و فرزندان او جمع شده تا مسلمين بعد از پيامبرشان گمراه و پراکنده نشوند. صراحت گفتار و کلام پيامبر بی‌نظير است: «هر کس من مولای او هستم، علی را فضيلت دهيد که افضل مردم بعد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداوند روزی را نازل می‌کند و خلق باقی هستند. ملعون است، ملعون است، مورد غضب است، مورد غضب است کسی که اين گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد.« و

حالا همه تاریخ را گواه می‌گیرد که پیام خداوند را ادا نموده و ابلاغ کرده، شنواییده و روشن نموده است تا همه بدانند که امیرالمومنین بودن بعد از او برای هیچ احدی جز علی (ع) حلال نیست.

گام چهارم: نعمت تمام شد

اکنون لحظه اقدام است. همه ابلاغ را شنیده‌اند. امیرالمومنین علی (ع) از زمانی که پیامبر بر فراز منبر آمده، یک پله پایین‌تر مکان او ایستاده و نسبت به صورت پیامبر به راست متمایل شده تا همه ببینند که آن‌ها در یک مکان ایستاده‌اند. حالا پیامبر (ص) دست او را به دست گرفته، هر دو دست را به سوی آسمان باز می‌کند و سوالی می‌پرسد: «ای مردم، چه کسی بر شما از خودتان صاحب اختیارتر است؟» همه می‌گویند «خدا و رسولش» حالا موقع کامل شدن دین خداوند است. پس رسولش با صدای بلند همه را خطاب قرار می‌دهد...

گام پنجم: آن‌ها به آتش دعوت می‌کنند

چه سخت و ناگوار است که چیزی را بدانی ولی مامور باشی بر آن پرده پوشی کنی. پیامبر (ص) می‌داند اصحاب سقیفه چه خواهند کرد. پس باید سرپوشیده هم که شده مردم را انداز کند از آنچه در پیش رویشان هست و بترساند از آن‌ها که به آتش دعوتشان می‌کنند. راه به سلامت گذر کردن از این فتنه آتشین هم روشن است؛ دل سپردن به ولایت علی، کسی که علم امر و نهی بعد از پیامبر در دستان اوست.

گام ششم: نشانی دوستان و دشمنان!

پیامبر خدا ثقل اکبر (کتاب خدا) و ثقل اصغر (اهل البیتش) را در میان مردمان به جای می‌گذارد. اما چه کسانی دوستان و چه کسانی دشمنان اهل بیت او هستند. صفات و نشانی آن‌ها را هم پیامبر اسلام در ادامه آخرین خطبه‌اش در چنین اجتماعی، بر جای می‌گذارد؛ جزا و پاداش آن‌ها را هم همینطور.

گام هفتم: آخرین یاری دهنده

خطبه غدیر تنها ابلاغ امامت علی (ع) نیست بلکه نشانی بر امامت فرزندان او نیز هست. پیامبر بزرگوار اسلام در جای جای خطبه‌اش مهر تاییدی بر امامت فرزندان علی (ع) و فاطمه (س) می‌زند و در اینجای خطبه نشانی از آخرین یاری دهنده خداوند به همگان می‌دهد تا در تاریخ باقی بماند.

گام هشتم: بیعت با خدا

بیعت با علی (ع) بیعت با یک شخص نیست، در اینجا پیامبر بزرگوار اسلام به همه می‌فهماند که باید اول با او به عنوان نماینده و رسول خدا بیعت کنند و بعد با وصی بعد از او. این یک بیعت الهی است و عهده‌ای است که همگان باید با خدا ببندند نه با بنده خدا.

گام نهم: اگر می‌خواهید گمراه نشوید...

آن‌ها از آخرین سفری که با پیامبر خدا به حج مشرف می‌شوند، باز می‌گردند. به همین خاطر هم بخشی از این خطبه در بیان دوباره شعائر الهی، حلال و حرام و واجبات و محرمات الهی است. پیامبر خدا ضمن بازگویی دوباره آن‌ها یک بار دیگر جانشین بعد از خودش را صاحب اختیار دین خدا می‌داند تا تحریفی در آن صورت نگیرد. تمسک به کتاب خدا و اهل بیت تنها راه دوری از گمراهی و سرگستگی است؛ این را حالا باید همه فهمیده باشند.

گام آخر: حالا وقت بیعت است

عده بی‌شمار است. نمی‌شود از تک تک افراد بیعت گرفت. برای همین هم پیامبر خدا از طرف خداوند به زبان از همه اقرار می‌گیرد تا بر بیعت با رسول خدا و اهل بینش باقی بمانند. اما فقط همین موضوع کافی نیست. آن‌ها باید این مطلب را از قول پیامبر به همه کسانی که در جمع حاضر نیستند برسانند و خداوند بزرگ‌ترین شاهد این بیعت است.

حالا وقت جشن فرار رسیده است. جشن تکمیل دین خدا. شاید بد نباشد با یادآوری صفات مختلف این روز، دست به کار شویم.

آنچه در زیر می‌آید پنجاه نام و یا صفت برای روز غدیر است که از روایات برگرفته شده:

- ۱ - بزرگ‌ترین عید خدا؛ «عیدالله الاکبر»
- ۲ - روز گشایش؛ «یوم وقوع الفرج»
- ۳ - روز خشنودی پروردگار؛ «یوم مرضاة الرحمن»
- ۴ - روز زبونی شیطان؛ «یوم مرغمة الشیطان»
- ۵ - روز مشعل فروزان دین؛ «یوم منار الدین»
- ۶ - روز بیا خاستن؛ «یوم القیام»
- ۷ - روز شادمانی؛ «یوم السرور»
- ۸ - روز لبخند؛ «یوم التبسم»
- ۹ - روز راهنمایی؛ «یوم الارشاد»
- ۱۰ - روز بلندی گرفتن منزلت شایستگان؛ «یوم رفع الدرج»
- ۱۱ - روز روشن شدن دلایل خدا؛ «یوم وضوح الحجج»
- ۱۲ - روز آزمایش بندگان؛ «یوم محنة العباد»
- ۱۳ - روز راندن شیطان؛ «یوم دحر الشیطان»
- ۱۴ - روز آشکار کردن حقیقت؛ «یوم الايضاح»
- ۱۵ - روز بیان کردن حقایق ایمان؛ «یوم البیان عن حقایق الایمان»
- ۱۶ - روز ولایت؛ «یوم الولاية»
- ۱۷ - روز کرامت؛ «یوم الکرامة»
- ۱۸ - روز کمال دین؛ «یوم کمال الدین»
- ۱۹ - روز جداسازی حق از باطل؛ «یوم الفصل»
- ۲۰ - روز برهان؛ «یوم البرهان»
- ۲۱ - روز منصوب شدن امیرمؤمنان؛ «یوم نصب امیرالمؤمنین (ع)»
- ۲۲ - روز گواهی و گواهان؛ «یوم الشاهد و المشهود»

- ۲۳ - روز پیمان؛ «یوم العهد المعهود»
- ۲۴ - روز میثاق؛ «یوم الميثاق المأخوذ»
- ۲۵ - روز آراستن؛ «یوم الزينة»
- ۲۶ - روز قبولی اعمال شیعیان؛ «یوم قبول اعمال الشيعة»
- ۲۷ - روز رهنمونی به رهنمایان؛ «یوم الدليل على الرواد»
- ۲۸ - روز امن و امان؛ «یوم الامن المأمون»
- ۲۹ - روز آشکار کردن امور پنهان؛ «یوم ابلاء السرائر»
- ۳۰ - عید اهل بیت (ع)؛ «عید اهل البيت (ع)»
- ۳۱ - عید شیعیان؛ «عید الشيعة»
- ۳۲ - روز عبادت؛ «یوم العبادة»
- ۳۳ - روز اتمام نعمت؛ «یوم تمام النعمة»
- ۳۴ - روز اظهار گوهر مصون؛ «یوم اظهار المصون من المكنون»
- ۳۵ - روز بر ملا کردن مقاصد پوشیده؛ «یوم ابلاء خفايا الصدور»
- ۳۶ - روز تصریح برگزیدگان؛ «یوم النصوص على اهل الخصوص»
- ۳۷ - روز محمد (ص) و آل محمد (ص)؛ «یوم محمد (ص) و آل محمد (ص)»
- ۳۸ - روز نماز؛ «یوم الصلاة»
- ۳۹ - روز شکرگزاری؛ «یوم الشکر»
- ۴۰ - روز دوح (درختان پر شاخ و برگ)؛ «یوم الدوح»
- ۴۱ - روز غدیر؛ «یوم الغدير»
- ۴۲ - روز روزه داری؛ «یوم الصيام»
- ۴۳ - روز اطعام؛ «یوم اطعام الطعام»
- ۴۴ - روز جشن؛ «یوم العيد»
- ۴۵ - روز عالم بالا؛ «یوم الملأ الاعلى»
- ۴۶ - روز کامل کردن دین؛ «یوم اکمال الدين»
- ۴۷ - روز شادابی؛ «یوم الفرح»

۴۸ - روز به صراحت سخن گشودن از مقام ناب؛ «؛یوم الافصاح عن المقام الصراح»

۴۹ - روز افشای پیوند میان کفر و نفاق؛ «؛یوم تبیان العقود عن النفاق و الجحود»

۵۰ - روز گردهمایی و تعهد حاضران؛ «؛یوم الجمع المسؤول»

بر گرفته از:

1- هفته نامه "یک شنبه"

2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری